

لَسْمُ اللَّهِ الْكَلِمَاتُ الْكَلِمَاتُ



زندگی نامه داعی اسلام

حضرت مولانا حَفَظَهُ اللَّهُ  
الیاس کاندھلوی

بنیان گذار جماعت دعوت تبلیغ

کاری از واحد کتابخانه اسلامی سنت دانلود

## زندگی نامه‌ی مبلغ اسلام مولانا محمد الیاس حَفَظَهُ اللَّهُ

### تولد:

مولانا محمد الیاس رحمه الله در سال ۱۳۰۳ هجری قمری تولد یافت، دوران کودکی را در کاندھله و نظام الدین سپری نمود، پدرش مولانا محمد اسماعیل و مادرش بی بی صفیه نام داشت.

در آن زمان خاندان ایشان به تقوا و تدین معروف بود. مردان به جای خود زنان چنان به عبادت گذاری و شب بیداری و ذکر و تلاوت اشتغال داشتند که داستانهای ایشان از تصور عموم بالاتر است.

### تحصیلات ابتدائی:

مولانا محمد الیاس نیز حسب عرف و رواج خاندان مانند سایر کودکان برای فراغیری قرائت قرآن مجید وارد مکتب شد؛ قرآن مجید و کتب ابتدائی را در روستای خود خواند و قرآن مجید را نیز حفظ کرد. مولانا گاهی در نظام الدین نزد پدرش بود و گاهی به کاندھله نزد فامیلهای مادرش میرفت، چون برادر محترم‌ش مولانا یحیی در گنگوه خدمت مولانا گنگوهی قرار گرفته بود، هنگامیکه به ده یا یازده سالگی رسید او را همراه با خود به گنگوه برد، در آنوقت گنگوه مرکز علماء و صلحاء قرار گرفته بود، و مردم در ضمن علوم دینی به علوم روحانی نیز به فیض می رسیدند. مولانا محمد الیاس در این ماحول مقدس مدت ده یا یازده سال باقی ماند.

### ارتباط با مولانا گنگوهی:

مولانا گنگوهی معمولا با بچه‌های خردسال و طلاب بیعت نمی کرد و می فرمود: زمان این کار بعد از فراغت تحصیل است. اما با توجه به احوال مخصوص مولانا محمد الیاس، در حق وی استثناء قائل شد و تقاضای بیعتش را پذیرفت.

\* زندگینامه داعی اسلام، بنیان گذار دعوت و تبلیغ «حضرت مولانا الیاس کاندھلوی» / کارک از واحد کتابخانه اسلامی سنت دانلود \*

مولانا محمد الیاس می فرمود: «هرگاه ذکر می کردم، احساس ثقل (سنگینی) به من دست می داد». وقتی به حضرت گنگوهی اطلاع دادم ایشان فرمود: مولانا محمد قاسم نانوتوی، نزد حاجی امداد الله صاحب از همین احساس شکایت کرد. حاجی صاحب فرمود: خداوند جل جلاله از شما کار مهمی می گیرد.

### بیماری و ترک تحصیل و آغاز مجدد:

مولانا رحمة الله عليه از ابتدا خیلی ضعیف و لاغر بود. در دوران اقامتش در گنگوه زیاد مریض می شد. به نوعی درد سر مبتلا گشت که تا چندین ماه نمی توانست سرش را خم نماید، حتی سجده کردن برایش ناممکن شد. مولانا بنایه دستور طبیب معالج خود تا هفت سال کامل آب ننوشید، بعد از آن تا پنج سال به مقدار اندکی از آب اکتفا می کرد. به علت همین بیماری و مخصوصا ضعف اعصاب و مغز مجبور به ترک تحصیل شد، بطوریکه در آینده نیز امید آن نمی رفت، این امر موجب اندوه و نگرانی شدید مولانا گردید. وی در همین حال به ادامه‌ی تحصیل اصرار می ورزید، بالاخره بنا به اصرار مداوم وی، اجازه یافت که مجددا به تحصیل علم بپردازد.

### تکمیل درس حدیث:

در سال ۱۳۲۲ هجری قمری علامه رشید احمد گنگوهی دار فانی را وداع گفت. مولانا محمد الیاس رحمة الله در سال ۱۳۲۶ هجری برای شرکت در حلقه‌ی درس شیخ الهند علامه محمود حسن دیوبندی به دارالعلوم دیوبند تشریف برد و کتاب صحیح بخاری و سنن ترمذی را در محضر شیخ الهند استماع فرمود. چند سال بعد از شرکت در درس‌های دارالعلوم دیوبند، در ظرف چهار ماه از برادرش مولانا محمد یحیی مجدد دوره حدیث را به اتمام رسانید.

### ارتباط با مولانا خلیل احمد و تکمیل سلوک:

بعد از وفات علامه رشید احمد گنگوھی به خدمت شیخ الہند علامه محمود الحسن دیوبندی رسید، اما ایشان مشورت داد که به محدث بزرگ علامه خلیل احمد سهارنپوری (مؤلف بذل المجهود شرح ابی داود) مراجعه کند. مولانا محمد الیاس مطابق مشورت شیخ الہند با علامه سهارنپوری ارتباط برقرار کرد. و در پرتو راهنمائی های وی مراحل سلوک را طی نمود.

### علاقه به عبادت و نوافل:

بعد از وفات علامه رشید احمد گنگوھی رحمة الله عليه اغلب ساكت و در حال مراقبه بود. شاید در طول روز یک الی دو جمله سخن می گفت. در آن زمان به عبادت و نوافل بسیار مشغول بود. از مغرب تا نزدیک عشاء مرتبا نوافل می خواند. در آن وقت سنش حدود ۲۰ الی ۲۵ سال بود.

### احساسات مجاهدانه:

همراه با اوراد و اذکار و عبادات و نوافل از ابتدای زندگی قلبش مملو از محبت و علاقه شدید به جهاد بود، کسانی که او را دیده بودند خیلی خوب می دانند که هیچ مقطوعی از زندگی اش از نیت و عزم و شوق جهاد، خالی نبود. در نتیجه همین احساسات بود که بدست علامه شیخ الہند محمود الحسن بیعت جهاد نمود.

### تدریس در مدرسه مظاہر العلوم:

در دوران تدریس در مظاہر العلوم اغلب همان کتابهای را تدریس می کرد که خودش قبل از خوانده بود. زیرا بخاطر بیماری اش بعضی از کتابها از پیش وی مانده بود. اما مولانا با موفقیت این کتابها را تدریس می کرد. برای تدریس خیلی آمادگی می نمود. با توجه کامل شروح را مورد مطالعه قرار می داد.

## ازدواج:

ازدواج مولانا محمد الیاس رحمة الله عليه در ۶ ذیقده سال ۱۳۳۰ روز جمعه با دختر دائی اش مولوی روف الحسن صورت گرفت، عقد نکاح توسط برادرش مولانا محمد خوانده شد.

### انتقال به نظام الدین:

در دهم ذیقده سال ۱۳۳۴ مولانا محمد یحیی از دنیا رحلت کرد، حادثه‌ی وفات وی برای مولانا محمد الیاس بسیار سخت و طاقت فرسا بود. دو سال بعد از وفات مولانا محمد یحیی، برادر دیگر و بزرگترش مولانا محمد در سال ۱۳۳۶ ماه ربیع الثانی شب جمعه دیده از جهان فرو بست. وی جانشین پدرش در مسجد نظام الدین بود. در اینجا مدرسه‌ای بود که پدرش آنرا تدصیس کرده بود. بیشتر بچه‌های «میوات» در آن درس می‌خوانندند. این مدرسه با توکل و قناعت پیش می‌رفت.

دوستداران و اردتمندان خاندان از مولانا محمد الیاس مصرانه تفاضا کردند که همینجا اقامت گزینند. و جایگاه پدر و برادرش را آباد نماید. همگی حضار قول دادند که در زمینه خدمت و کمک به مدرسه کوتاهی نکنند. مولانا محمد الیاس با اصول و مقررات خود پیشنهاد مردم را پذیرفت، اما آمدن خود را به اجازه علامه خلیل احمد مشروط کرد. مولانا خلیل احمد رحمه الله به او اجازه داد که در روستای نظام الدین اقامت گزیند.

مولانا الیاس هنوز به نظام الدین منتقل نشده بود که ناگهان مريض شد، بعد از تندرسی «کاندھله» را به قصد «نظام الدین» ترک گفت. در آن زمان نظام الدین روستائی بود که اطرافش فقط جنگل بود.

## آغاز کار اصلاح و تعلیم در «میوات»

در جنوب دھلی منطقه‌ای به نام میوات قرار دارد که در آن سمت قوم «میو» زندگی می‌کنند. بر اثر غفلت طولانی مسلمانان و عدم توجه مبلغین، میواتها به حدی از جهل و نادانی رسیده بودند که بعد از آن مرحله‌ای بجز ارتداد باقی نمانده بود.

## علاج اصلی تعلیم دین است:

مولانا محمد الیاس معتقد بود که راه اصلاح میوات اینست که جهل و بیسواندی آنها به وسیله‌ی نشر و پخش علم دین و تعلیم احکام و مسایل شریعت ریشه کن شود. مولانا محمد اسماعیل و مولانا محمد همین راه را اختیار کرده بودند. آنها فرزندان مردم میوات را در مدرسه خود تعلیم و آموزش داده برای اصلاح و ارشاد به میوات می‌فرستادند. اصلاحات کم و بیشی که در میوات صورت گرفه بود، در نتیجه تلاش و کوشش تربیت یافتگان همین دو بزرگوار و از مدرسه آنها بود. اما مولانا محمد الیاس یک گام اساسی تر نهاد. او به این نتیجه رسید که می‌بایست در خود منطقه میوات، مکاتب و مدارس را تأسیس نماید، تا در کار اصلاح تسریع و گستردگی ایجاد شده در اسرع زمان تحول انجام گیرد.

## آغاز مکاتب:

مولانا به میوات تشریف برد، با توجه به اصرار و تأکید او و تلاش فراوان مردم یک باب مکتب گشایش یافت. اما میواتها به دلیل اینکه کشاورز بودند حاضر نمی‌شدند. فرزندانشان کار کشاورزی را ترک کرده کتاب را در بغل بگیرند. آنها هنوز قدر دین را نمی‌دانستند که تا این حد آماده ایشار باشند بالاخره با تفهیم و نأکید فراوان مولانا، عده‌ای بچه‌های خود را به مکتب فرستادند. خلاصه کار به جائی رسید که در منطقه میوات صدها مکتب دایر شد که فرزندان مسلمین قرآن و تعلیمات دینی فرا می‌گرفتند.

مولانا محمد الیاس خدمت دین را بعنوان یک کار اجتماعی که مسئولیت آن فقط بر دوش اجتماع و مردم است شروع نکرده بود. بلکه آنرا بعنوان کار خود، آغاز کرده بود و برای آن از فدا کردن هیچ چیزی دریغ نمی ورزید. یکبار شخصی مبلغی پول خدمت وی تقدیم کرد، و گفت این مبلغ مربوط به شخص شماست، آنرا در کار شخصی تان خرج فرمائید. مولانا فرمود: جناب محترم! اگر ما کار الله را کار خود نپنداشیم، پس کدام کار را کار خود پنداشیم. این را بگفت و اشک در چشمانش حلقه زد، سپس آهی کشید و فرمود: آه! ما قدر حضرت رسول الله را بجا نیاوردیم.

آری، اصول مولانا همین بود، بهمین دلیل او در خدمات دینی میوات قبل از هر کس از اندوخته خویش مایه می گذاشت بعد از آن کمک مردم را تقبل می نمود.

## حج دوم و تحول در جهت کار:

مولانا محمد الیاس در ماه شوال سال ۱۳۴۴ هجری برای دومین بار به مقصد حج روانه شد. در این سفر علامه خلیل احمد سهارنپوری نیز همراه بود. وقتی زمان اقامت در مدینه منوره به پایان رسید و آماده حرکت شدند، مشاهده نمودند که مولانا محمد الیاس به نگرانی و اضطراب عجیبی دچار شده است، به هیچ وجه راضی به ترک مدینه نبود. رفقاء سفر توقف نمودند.

مولانا محمد الیاس می فرمود: که در دوران اقامتم در مدینه منوره این کار دعوت و تبلیغ به من أمر شد که: «ما از شما کار می گیریم.» به همین دلیل چند روزی در اضطراب و نگرانی گذراندم که من ناتوان، چه کاری می توانم انجام بدهم. بالاخره مطلب را با یکی از عارفان در میان گذاشتم. او فرمود چرا نگران هستید؟ نفرموده اند که شما کاری انجام می دهید بلکه گفته شده که: «ما از شما کار می گیریم.» پس کار گیرنده کار خواهد گرفت. مولانا فرمود: از این سخن خیلی احساس آرامش نمودم. ایشان بعد از اقامت پنج ماه در حرمه در سیزدهم ربیع الثانی سال ۱۳۴۵ هجری به «کاندھله» هندوستان باز گشتند.

## بخش دوم: شروع دعوت و تبلیغ

### آغاز گشت تبلیغ:

پس از بازگشت از حج، گشت تبلیغی را آغاز نمود و دیگران را نیز دعوت می کرد. که در میان مردم بروند و به آنها ارکان و اصول اولیه دین را تبلیغ نمایند. مردم با این دعوت نا آشنا بودند. تبلیغ دین برای عوام الناس سخت به نظر می آمد. بالاخره چند نفر با شرمندگی و خجالت این کار را انجام دادند. مولانا در سال ۱۳۵۱ هجری برای بار سوم به حج تشریف برد. در تاریخ ۲ محرم سال ۵۲ هجری از مکه به مدینه تشریف بردند و در ۲۷ جمادی الأولی سال ۵۲ هجری به هندوستان بازگشتند. و در این حج نسبت به کار و روش آن اطمینان؛ اعتماد و یقین مضاعف حاصل کرده و در بازگشت سرعت عمل را افزایش دادند. مولانا بعد از بازگشت از حج دو بار با جماعت بزرگی به میوات تشریف برد. حد اقل حدود صد نفر در این مسافرت ها همراه او بودند. در هر نقطه ای که می رسیدند مردم جمع می شدند. به جماعت‌ها دستور می داد که در روستاهای گشت کنند و برگردند. مسافرت اول یک ماه و مسافرت دوم کمی کمتر از یک ماه طول کشید.

### اعزام جماعتهای تبلیغ به سوی مراکز دینی:

مولانا محمد الیاس با استفاده از تجربه های طولانی و دقت نظر خود به این نکته پی برده بود که این میواتیها در محل و محیط خود به علت گرفتاریهای شغلی نمی توانند برای یاد گرفتن دین اوقات خود را فارغ نمایند. همچنین بسیار مشکل است که از آنها خواسته شود در مدارس و مکاتب وارد شوند و علم بیاموزند. و این انتظار نیز بیهوده است که استماع به پند و موعظه در زندگی آنها انقلاب و تحول پدید آورد. بطوریکه از زندگی جاهلانه خارج شده در زندگی اسلامی قدم بگذارند. و اخلاق و عادات و تمایلات آنها تغییر یابد. نزد مولانا تنها راه این بود که جماعتهایی از اینها تشکیل داده و آنها را به طرف مراکز علمی بفرستد. این جماعتها در میان مردم در مورد کلمه طیبه و نماز تبلیغ نمایند تا درس‌های خودشان تکرار شود. و ضمنا در مجالس اهل علم و دین شرکت نمایند و زندگی علمی و اسلامی آنها را از نزدیک مشاهده نموده عملا تحت تأثیر قرار بگیرند. و در زمان خروج با توجه کامل به خواندن قرآن و مطالعه و استماع مسایل و فضایل و سرگذشت صحابه مشغول شوند. بعد از اینکه مدتی در این مدرسه ی سیار آموزش دیدند به مناطق خود برگردند.

## اولین جماعت به سوی کاندھله:

در یکی از ماههای رمضان فرمود: برای کاندھله جماعتی آماده کنید. این دستور بر میواتیهای بی سواد و روستائی خیلی دشوار آمد. آنها این عمل را خیلی عجیب و غریب می‌پنداشتند که جهت تبلیغ به وطن مرشد خود بروند. زیرا ظاهرا همین پندار وجود داشت که این جماعت برای تبلیغ می‌روند، گرچه مولانا ابعاد دیگری را در نظر داشت. یک جماعت ده نفری برای «کاندھله» آماده شد. مولانا آنها را در مورد ذکر تأکید خصوصی کرده بودند، جماعت وارد «کاندھله» شد و از طرف مردم مورد استقبال شایان قرار گرفت.

## جماعت دوم به سوی رائی پور:

جماعت دوم را در شوال به سوی «رائی پور» حرکت داده و خود نیز همراه جماعت براه افتادند. «رائی پور» یک مرکز دینی و معنوی بود، مولانا محمد الیاس با مولانا عبدالقدیر رائی پوری ارتباط صمیمانه داشت. از این نظر بیگانگی و مشکل خاصی احساس نمی‌شد.

## اشاعه ک دین در میوات:

بر اثر مجاهدت‌های این مبلغین مخلص که وسایل خود را بر دوش حمل کرده با خرج شخصی خود از یک روستا به روستائی دیگر و از این سو به آن سو برای احیاء دین حرکت می‌کردند. در مدت کوتاهی در منطقه‌ی میوات که قرنها در تاریکی بسر می‌برد نور هدایت چنان پخش شد و دینداری چنان رواج یافت که مثال آن بی نظیر است. در واقع رمز موفقیت کار دین همان است که در قرن اول صورت گرفت. آری بدون مبالغه باید گفت که محرک و تلاش مردم در میوات نمونه‌ی ساده‌ای از قرن اول بود. براستی اگر کسی کاروانهای این مبلغین را در حال حرکت می‌دید، قطعاً بیننده‌ی آنها تصویری بسیار خفیف از اصحاب بئر معونه را که برای تعلیم قرآن و تبلیغ اسلام به دستور رسول الله صلی الله علیه و سلم حرکت کردند و شهید شدند در جلوی چشمان خود مجسم می‌دید.

## آخرین حج و دعوت در حرمین:

آرزوی بزرگ مولانا محمد الیاس این بود که این دعوت را بعد از اینکه در هندوستان مقداری جا بیفت، در حرمین آغاز خواهد کرد؛ زیرا این دعوت سوغات و تحفه‌ی اصلی آنجاست و اهالی آنجا از هر کس دیگری بیشتر مستحق آن هستند. در سال ۱۳۵۶ هجری این آرزو در دل ایشان بیشتر شدت گرفت به همین خاطر در ۱۸ ذیقعده راهی حرمین شد. در دوران سفر، در داخل کشتی کار تبلیغ و مذاکره مناسک حج جاری بود. در دوران اقامت در منی با حجاج کشورهای مختلف فرصت گفتگو میسر آمد. مولانا در یک اجتماع سخنرانی فرمود. حضار شیفته سخنان وی شدند. بعد از مذاکره با حجاج کشورهای مختلف، قرار شد که اهداف کار به زبان عربی نوشته شود و به سلطان تقديم گردد. مولوی احتشام الحسن اهداف تبلیغ و دعوت را به اختصار یاد داشت نموده خدمت شیخ الاسلام قاضی القضاة عبد الله بن حسن تقديم کرد. خود مولانا محمد الیاس همراه مولانا احتشام الحسن نیز با قاضی القضاة ملاقات کرد. قاضی القضاة خیلی گرامی داشت و تجلیل نمود و تمام مطالب را کاملا تأیید کرد. و قول همکاری و مساعدت داد اما اجازه را به نائب عام امیر فیصل محول کرد. در دوران اقامت مکه مکرمه صبح و بعد از ظهر جماعت برای تبلیغ می رفت و بطور انفرادی با مردم ملاقات می کرد و آنها را آماده می نمود. مولانا بعد از ۱۵ روز اقامت در مدینه منوره بنابر مشورت افراد آگاه، حجاز را به قصد هندوستان ترک گفت.

## توجه و اهتمام به علماء:

مولانا محمد الیاس رحمة الله عليه قطعا بر این اعتقاد بود که تا زمانیکه اهل حق و اهل علم به سوی این کار متوجه نشوند و آنرا سرپرستی ننمایند، تا آن زمان نمی شود به این طریقه‌ی دعوت اطمینان پیدا کرد. مولانا می خواست که طلاب تحت نظارت و سرپرستی استادان خود در این کار دعوت و تبلیغ شرکت نمایند. و ادا کردن حق علم و منفعت رساندن به مردم را تمرین کنند، تا اینکه علوم شان برای خلق الله نافع و مفید ثابت شود.

## بیماری و آخرین روزهای زندگی:

مولانا محمد الیاس رحمة الله عليه از نظر جسمی بسیار ضعیف بود. کوشش‌های متواالی و زحمتهای شدید و بی خوابی‌های متمادی بیشتر سبب ضعف وی شده بود.

\* زندگینامه داعی اسلام، بنیان گذار دعوت و تبلیغ «حضرت مولانا الیاس کاندھلوی» / کارک از واحد کتابخانه اسلامی سنت دانلود \*

در ماه مارس سال ۱۹۴۴ ضعف جسمی چنان زیاد شده بود که از امامت نماز معذور گردید؛ اما در نماز جماعت شرکت می کرد.

در حالی که با کمک دو نفر می ایستاد، و نماز ادا می کرد. حال مولانا روز به روز وخیم تر می شد قبل ایستاده نماز ادا می کرد؛ حالا دیگر معذور شده بود، تخت در کنار صف گذاشته می شد مولانا با جماعت نماز می گزارد.

### آخرین شب:

از اول شب آمادگی سفر شروع شده بود، پرسید آیا فردا پنجشنبه است؟ عرض شد: بله! فرمود که لباسهای مرا نگاه کنید کاملا پاک و تمیز باشند، وقتی گفته شد لباسها تمیز هستند، خوشحال شد. خواست از تخت پائین بیاید، وضو گرفته نماز بخواند پرستاران او را منع کردند، نماز عشاء را با جماعت شروع کرد. اما هنگام نماز ضرورت تجدید وضو پیش آمد، بعد از آن مجددا در حجره نماز با جماعت ادا کرد. فرمود: امشب به کثرت دعا کنید، امشب نزد من کسانی بمانند که میان اثرات شیاطین و فرشتگان تشخیص بدھند. فرمود امشب دلم می خواهد استحمام کرده و از تخت پائین بیایم، دو رکعت نماز بخوانم، خواهید دید که نماز چه اثری خواهد گذاشت. ساعت دوازده شب بیماری شدت گرفت، در آخر شب مولوی محمد یوسف و مولوی اکرام الحسن را طلب نمود، به مولوی محمد یوسف فرمود: بیا ملاقات کن. ما که رفتیم: قبل از اذان فجر جان به جان آفرین سپرد. بعد از نماز فجر روز بعد در میان ریزش اشکها، جانشینی مولانا محمد یوسف بعمل آمد و عمامه حضرت مولانا محمد الیاس بر سر او گذاشته شد.

### تجهیز و تکفین:

توسط علماء و فقهاء مراسم غسل و تجهیز و تکفین با رعایت سنن و مستحبات، انجام داده شد. مردم شهر خبر شده از صبح شروع به آمدن کردند، دیری نگذشت که جمیعت انبوھی گرد آمد. مردم مرتبا می آمدند تا اینکه هنگام نماز ظهر جمیعت بیشماری جمع شدند. جنازه به امامت شیخ الحدیث علامه محمد زکریا ادا گردید. با غروب آفتاب این آفتاب دین که از پرتو آن هزاران انسان روشنی و حرارت یافته بودند، غروب نمود. مولانا محمد الیاس رحمة الله عليه بعد از خود فقط یک فرزند پسر «مولانا محمد یوسف کاندھلوی» و یک فرزند دختر «زوجه شیخ الحدیث مولانا محمد زکریا» بجا گذاشت.

\* زندگینامه داعی اسلام، بنیان گذار دعوت و تبلیغ «حضرت مولانا الیاس کاندھلوی حفظہ اللہ علیہ و سلیمانی» / کارک از واحد کتابخانه اسلامی سنت دانلود \*

مختصری از کتاب «مولانا محمد الیاس رحمه الله علیه و نهضت دعوت و تبلیغ»

مؤلف: مولانا سید ابوالحسن ندوی

# صد ها سال بگذرد تا یک مرد حق پیدا شود

سایت سنت دانلود به همه شما خوانندگان و دنبال کنندگان سنت دانلود پیشنهاد می کند در این جنبش اصلاحی یعنی دعوت و تبلیغ شرکت کنید تا بر روحیه ایمانی خود اضافه کنید.

**سنت دانلود – بزرگترین مرکز دانلود اهل سنت در ایران**

**کانال تلگرام ما:**

<https://telegram.me/SunnatDL>

**صفحه اینستاگرام ما:**

<https://instagram.com/SunnatDL>

**آدرس اینترنتی سنت دانلود:**

[www.SunnatDownload.com](http://www.SunnatDownload.com)